

مروری بر آثار منتشر شده در تحلیل نشانه‌شناسانه متون ادب فارسی

مقدمه

«نشانه‌شناسی» (Semiotics) مطالعه نشانه‌ها و فرایندهای تأویلی است. امبرتو آکو می‌گوید: نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد (Eco, 1979:7). واژه «Semiotics» یا «Semiology» از ریشه یونانی «Semeion»، به معنای «نشانه»، گرفته شده است و اگر نشانه‌شناسی را روش بررسی پدیدارها بدانیم، پیشینه آن به رشد اندیشه‌های فلسفی و منطقی در یونان و هند باستان می‌رسد. البته این اندیشه‌ها را نمی‌توان نشانه‌شناسی به معنای امروزی آن تلقی کرد. نشانه‌شناسی معاصر، عمدتاً از دو منبع، آراء سوسور و نوشته‌های پیرس، سرچشمه گرفته و رشد و گسترش یافته است. نشانه‌شناسی را میراث سوسور می‌دانند؛ اما با افکار و نظریات پیرس، نشانه‌شناسی به رشته‌ای مستقل تبدیل شد و به مثابه وجهی بین‌رشته‌ای برای بررسی پدیده‌هایی که در زمینه‌های مختلف وجود دارد، تکوین یافت. تقریباً هم‌زمان با پیرس، سوسور نیز نشانه‌شناسی را مطرح کرد. او معتقد بود که می‌توان علمی را طراحی کرد که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی بپردازد و این علم، بخشی از روان‌شناسی اجتماعی خواهد بود و «نشانه‌شناسی» نامیده می‌شود. در واقع «سوسور بر کارکرد اجتماعی نشانه تأکید می‌کند و پیرس بر کارکرد منطقی آن. اما این دو جنبه رابطه‌ای دوسویه و تنگاتنگ با یکدیگر دارند؛ به طوری که امروزه اصطلاحات «Semiology» و «Semiotics» یک رشته واحد را نشان می‌دهند. اروپاییان، اغلب اصطلاح نخست را به کار می‌گیرند و انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها اصطلاح دوم را» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۵).

رذپای نشانه‌شناسی را در ایران باید در کتاب‌های مربوط به رشته زبان‌شناسی جست؛ در بیشتر کتاب‌های پایه و منبع رشته زبان‌شناسی، از نشانه‌شناسی نیز سخن گفته شده است، که به دلیل تعداد زیاد این آثار، از ذکر نام همه آنها خودداری می‌کنیم؛ البته بیشتر این مباحث از طریق ترجمه وارد زبان فارسی شده‌اند.

دکتر سهیلا فرهنگی

چکیده

نشانه‌شناسی یکی از رویکردهای میان‌رشته‌ای در علوم انسانی است که به مطالعه و بررسی نشانه‌ها می‌پردازد. اندیشه نشانه‌شناختی، به گذشته‌های دور برمی‌گردد؛ اما نشانه‌شناسی معاصر را میراث سوسور می‌دانند که با افکار و نظریات پیرس، به رشته‌ای مستقل تبدیل شد و برای بررسی پدیده‌های گوناگون به کار گرفته شد.

مباحث تئوریک نشانه‌شناسی از طریق ترجمه‌ها وارد ایران شد و در تحلیل‌های هنری، اعم از نقاشی، عکس، سینما، ادبیات و ... مورد استفاده قرار گرفت. در این نوشتار کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در آنها به نحوی به نشانه‌شناسی متون ادب فارسی توجه شده است، معرفی و مرور می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی، ادبیات فارسی، نقد ادبی، کتاب‌شناسی.

اما نشانه‌شناسی و نقش آن در تحلیل متون ادبی و هنری فارسی، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شمسی دوران رشد و شکوفایی خود را گذرانده است. هدف این مقاله نیز نگاهی به کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی است که در آنها به نشانه‌شناسی متون ادبی فارسی پرداخته شده است.

۱. کتاب‌ها

بابک احمدی، پژوهشگر فلسفه هنر، از اولین کسانی است که به نشانه‌شناسی و نقش آن در بررسی متون توجه کرده است. او در کتاب ساختار و تأویل متن (۱۳۷۰)، از دیدگاه‌های سوسور، پیرس، مورس، پروپ، بارت، تودوروف، اکو و دیگران بهره گرفته است. به نظر او، ساختار متن ادبی به معنای مجموعه‌ای از مناسبات درونی نشانه‌های متن است و ساختارگرایی کوششی است برای راه‌یابی به دنیای نشانه‌های هر اثر ادبی؛ یعنی کشف رمزگان و نشانه‌های تازه آن و فهم روابط درونی آنها. احمدی در این کتاب به ساختار و تأویل متن پرداخته است؛ اما در اثر دیگرش، از نشانه‌های تصویری تا متن، که چاپ اول آن در سال ۱۳۷۱ منتشر شد، از نشانه‌شناسی متن پا فراتر نهاده و به بررسی دلالت نشانه‌های دیداری علاقه نشان داده است. او تقسیم‌بندی پیرس از انواع نشانه را، از نظر استحکام نظری و کارایی، با ارزش‌تر از دیگر تقسیم‌بندی‌ها می‌داند. احمدی در بحث نشانه‌های تصویری، به آراء کریستین متز، تینیانوف و اکو استناد کرده و در مباحث مقدماتی این کتاب از دلالت‌های ضمنی، مجاز و استعاره نیز سخن گفته است. البته بیشترین مباحث این کتاب به نشانه‌شناسی ارتباط دیداری، نقاشی، عکس، فیلم و سینما اختصاص دارد (ر. ک. احمدی، ۱۳۸۳).

احمد اخوت (۱۳۷۱) در کتاب نشانه‌شناسی مطالبه نخستین گام‌ها را در پیوند نشانه‌شناسی و ادبیات برداشته است. البته نمونه‌های او در این کتاب، تنها لطیفه‌های فارسی نیست و از متون دیگر زبان‌ها نیز بهره گرفته است. این کتاب در ۴ فصل تنظیم شده است. «پیر منارد، نویسندهٔ جن کیشوت (بررسی متنی

– زبانی لطیفه‌های فارسی)»، «در ستایش حماقت» و «ساخت‌های بی‌معنایی و مرد و پروانه (جستاری دربارهٔ جناس در مطایبه)» عنوان‌های فصل‌های این کتاب است.

نویسنده در فصل اول کتاب به بررسی ساختار لطیفه‌های فارسی پرداخته است. او پس از ذکر مطالبی دربارهٔ شباهت چیستان و لطیفه، لطیفه‌های فارسی را به اجمال از دیدگاه زبان‌شناسی بررسی کرده است. البته این بخش که با عنوان کتاب بیشتر ارتباط دارد، حجم بسیار کمی را به خود اختصاص داده است. از نظر نویسنده، نظریه‌های رایج دربارهٔ لطیفه را به ۳ دسته عمده می‌توان تقسیم کرد: ۱. نظریه‌های شناختی – ادراکی، ۲. نظریه‌های روان‌شناختی و ۳. نظریه‌های نشانه‌شناختی. از نظر او نظریه‌های نشانه‌شناختی بیشتر به این نکته توجه می‌کنند که مکانیسم تضاد، که شالودهٔ لطیفه بر آن استوار است، چگونه در متن تبلور می‌یابد و ویژگی‌های نشانه‌شناختی – زبانی آن چیست. به اعتقاد اخوت، از نظر نشانه‌شناسی لطیفه، بیگانه کردن (Alienation) نشانه‌های (یک کلمه و یا مجموعه‌ای از نشانه، مانند جمله) از بافت مألوف و معمول خود است و در لطیفه، نشانه مدلول همیشگی و عادی خود را از دست می‌دهد. به نظر مؤلف، بیشتر پژوهش‌های زبان‌شناختی دربارهٔ لطیفه، بر دو محور «جناس» و «ابهام» استوار است؛ البته او ابهام را دارای شمول بیشتری می‌داند. از نظر اخوت، ما در سطح ابهام آوایی و یا واژگانی با جناس سروکار داریم؛ در صورتی که در سطح ابهام نحوی و صرفی (ژرفساخت و روساخت) با ابهام مواجهیم. نویسنده در سطح ابهام آوایی – واژگانی، انواع جناس، قلب، تأکید، رنگ و ادغام، و در سطح ابهام صرفی و نحوی، ابهام در روساخت جمله و ابهام در ژرفساخت و نیز اختلاط و ابهام میان روساخت و ژرفساخت را بررسی کرده و نمونه‌هایی از لطیفه‌های فارسی را برای هر مورد ذکر کرده است. در میان فصل‌های کتاب نیز تناسب چندانی دیده نمی‌شود و بخش زیادی از مطالب این کتاب به پیوست‌ها اختصاص دارد، که ترجمهٔ مقالاتی از دیگر نویسندگان است و ارتباط چندانی با نشانه‌شناسی ندارد. کورش صفوی در ترجمهٔ کتاب فردینان دوسوسور، نوشتهٔ جاناتان کالر (۱۳۷۹)، به بیان نظریهٔ زبانی سوسور و جایگاه نظریه‌های سوسور پرداخته است و نشانه‌شناسی را میراث او می‌داند. کالر در بحث قلمرو نشانه‌شناسی، از نظام ادبیات نیز سخن گفته و مطالعهٔ نشانه‌شناختی ادبیات را به دلیل غنا و پیچیدگی آن، فوق‌العاده جذاب دانسته است. به نظر نویسنده، بررسی نشانه‌شناختی متون ادبی به سوسور برمی‌گردد، که در مجموعه‌ای از تأملات منتشر نشدهٔ خود دربارهٔ افسانه‌های آلمانی قرون وسطا، توجه و علاقهٔ خود به نشانه‌شناسی ادبیات و وقوفش نسبت به برخی از مسائل و مشکلات این حیطه را نشان داده است. البته آثاری که به طور مستقل به نشانه‌شناسی اختصاص دارند، بیشتر در دههٔ ۸۰ منتشر شده‌اند. محمد نبوی با ترجمهٔ کتاب نشانه‌شناسی بی‌یر گیرو (۱۳۸۰) و ترجمهٔ نشانه‌شناسی؛ قدم اول، نوشتهٔ پل کابلی و لیتزا بانتس (۱۳۸۰)، و مظفر قهرمان با ترجمهٔ درآمدی بر نشانه‌شناسی آنه ماری دینه‌سن (۱۳۸۰)، از نخستین کسانی‌اند که آثار مستقل مربوط به نشانه‌شناسی را از طریق ترجمه وارد زبان فارسی کرده‌اند. بی‌یر گیرو در کتاب خود از رمزگان‌های منطقی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی سخن گفته و هنر و ادبیات را در زمرهٔ رمزگان‌های زیبایی‌شناختی محسوب کرده است. دینه‌سن که در رشتهٔ نقد

بابک احمدی، پژوهشگر فلسفه هنر، از

اولین کسانی است که در ایران

به نشانه‌شناسی و نقش آن در بررسی

متون توجه کرده است. به نظر او، ساختار

متن ادبی به معنای مجموعه‌ای از مناسبات

درونی نشانه‌های متن است و ساختارگرایی

کوششی است برای راه‌یابی به دنیای

نشانه‌های هر اثر ادبی؛ یعنی کشف رمزگان

و نشانه‌های تازه آن و فهم روابط درونی آنها

بابک احمدی،
پژوهشگر فلسفه هنر،
اولین کسانی است که در ایران
به نشانه‌شناسی و نقش آن در
بررسی متون ادبی به معنای
مجموعه‌ای از مناسبات درونی
نشانه‌های متن است و ساختارگرایی
کوششی است برای راه‌یابی به دنیای
نشانه‌های هر اثر ادبی؛ یعنی
کشف رمزگان و نشانه‌های
تازه آن و فهم روابط درونی آنها

ادبی تخصص دارد، در کتاب خود خواننده را با آراء سوسور، پیرس، یلمزلف و گرماس آشنا می‌کند؛ البته جای خالی صاحب‌نظرانی چون اکو، دریدا و کریستوا در این اثر به وضوح دیده می‌شود. دین‌سن همچنین در پایان کتاب، روش نقد متون ادبی را که پی‌یر برانت بر اساس الگوی کنش گرماس تدوین کرده، آورده است، که در لابه‌لای آن، کاربرد دیدگاه‌های پیرس در نقد ادبی نیز گنجانده شده است. آنچه در کتاب نشانه‌شناسی؛ قدم اول بیش از هر چیز دیگری جلب‌نظر می‌کند، نقاشی‌های این کتاب است که به همراه طراخی و توضیحات فهمیدنی، خواننده مبتدی را با تاریخچه نشانه‌شناسی آشنا می‌کند.

در آغاز دهه ۸۰، راشد محصل (۱۳۸۰) نیز کتابی با عنوان نشانه‌شناسی کاربرد قرآن و حدیث در ادب فارسی منتشر کرد که مباحث این کتاب ارتباط چندانی با نشانه‌شناسی ندارد و نویسنده تنها از نام نشانه‌شناسی در عنوان اثر خود بهره گرفته است. نویسنده در این کتاب به عرضه مواردی از تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی و کاربرد آن در زمینه‌های مختلف پرداخته است. به نظر او، این اثرپذیری، چه قالبی و چه مضمونی، در قالب اشاره، اقتباس، مثل، ترجمه، تضمین، تلمیح و یا استعاره‌های معنوی به کار رفته است. او همچنین از عجین‌گشتن ادبیات فارسی با مضامین قرآنی و حدیثی و تأثیر و تأثر متقابل این دو سخن گفته است.

ضمیران، پژوهشگر مسائل معرفت‌شناسی و فلسفه هنر، در کتاب درآمده‌ی نشانه‌شناسی هنر (۱۳۸۲) کوشیده است تا مفاهیم اصلی نشانه‌شناسی را به اختصار بیان کند و ارتباط آنها را با هنر به طور عام و هنرهای تصویری به طور خاص، روشن سازد. نویسنده از آراء سوسور، پیرس، بارت و گرماس سودجسته و رمزگان هنری را تحلیل کرده است. به نظر او در حوزه هنر مدلول‌هایی به وجود می‌آید که دارای معناهای چندلایه‌ای‌اند و وظیفه پژوهنده نشانه‌ها این است که به ساحت دلالت‌های چندگانه دسترسی پیدا کند و اسرار نهفته در آنها را کشف و تبیین نماید. او بارت را در زمره اولین نشانه‌شناسان تصویری به شمار آورده و از اکو به عنوان دومین چهره پرنفوذ در حوزه نشانه‌شناسی تصویری نام برده است. ضمیران چارچوب بحث‌های خود را با تاسی از دانیل چندلر در کتاب مبانی نشانه‌شناسی تنظیم کرده است. به نظر او، اساس داستان‌پردازی نشان از بیان اسطوره به صورتی دیگر دارد. او معتقد است که امروزه اسطوره به شکل استعاره و مجاز و تمثیل در ادبیات حضوری کامل دارد؛ پس می‌توان اکثر داستان‌های ادبی را تکرار همان اساطیر کهن به شمار آورد. به نظر ضمیران، با احاطه به اصول و قواعد نشانه‌شناسی، قادر خواهیم بود کلیه پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی، از جمله هنر و ادبیات را از منظر نشانه‌ها و دلالت‌ها بررسی کنیم؛ زیرا به اعتباری، کلیه پدیده‌های فرهنگی، خود نظامی از نشانه‌ها محسوب می‌شوند و وقتی که ما از پدیده‌ها سخن به میان می‌آوریم، بناگزی با مسئله ارتباط و تفهیم و تفاهم روبه‌رو می‌شویم.

فرزان سجودی در کتاب نشانه‌شناسی کاربرد (۱۳۸۲)، در کنار مباحث نظری نشانه‌شناسی و بیان دیدگاه‌های سوسور، پیرس و اکو، از دیدگاه لاکان و دریدا نیز سخن گفته است. سجودی به رمزگان‌های بارت نیز توجه کرده و همچنین به مباحثی پرداخته است که نشانه‌شناسی را با ادبیات پیوند می‌زند؛ روایت‌شناسی، معنای ضمنی و اسطوره، استعاره، مجاز و کنایه، عناوینی است که سجودی به آنها پرداخته است. بخش زیادی از کتاب سجودی به بیان

فرضیه او درباره نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن اختصاص دارد. به نظر او، معنا وابسته به متن است؛ پس سخن گفتن از معنای صریح، یعنی معنایی از پیش مقرر، هر چند که به شکلی قراردادی امکان‌پذیر است، در عمل تحلیل متن از دیدگاه نشانه‌شناسی لایه‌ای ناممکن است. به نظر سجودی، ما همیشه با معنای ضمنی زاده متن سروکار داریم و مفاهیمی چون استعاره، مجاز و کنایه، مفاهیمی قطعی و از پیش مقرر نیستند. نشانه‌ها فقط در درون متن و در رابطه‌ای که با لایه‌های دیگر متن دارند، ممکن است در حکم استعاره، مجاز و یا کنایه دریافت شوند؛ به عبارت دیگر، استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه عناوینی‌اند که برای روابط متفاوت درون‌متنی انتخاب شده‌اند و از نوع رابطه‌اند تا مفاهیمی از پیش مقرر. جمله‌ای می‌تواند در رابطه بخصوصی با دیگر لایه‌های متنی در حکم استعاره خوانده شود و همان جمله ممکن است در شرایط دیگری و در مناسبات متنی دیگری استعاره نباشد.

نشانه‌شناسی تفسیر عرفانی، نوشته مریم مشرف (۱۳۸۴)، را شاید بتوان اولین کتاب در زبان فارسی دانست که به نشانه‌شناسی یک متن عرفانی پرداخته است. آن‌چنان‌که نویسنده در مقدمه اثر اشاره کرده، هدف او از نوشتن این کتاب، عرضه کتابی در زمینه نقد ادبی نبوده است؛ بلکه کوشیده است که تا حد امکان الگوها، ساختارها و نظام نشانه‌های موجود در ژانر تفسیر عرفانی به طور کلی بررسی شود.

بخش اول این کتاب در ۱۲ فصل تنظیم شده است. مؤلف در فصل اول به معرفی اجمالی حقایق التفسیر سلمی و گروهی از مفسران پرداخته است. فصل دوم با نام «نشانه‌شناسی تفسیر عرفانی و ساختار تأویل»، به بررسی ساختار بنیادین تفسیر عرفانی اختصاص دارد. فصل سوم به مفهوم مکاشفات و منازلات اختصاص دارد. در فصل چهارم به معرفی نظریه وجه معانی پرداخته شده، که بحثی در معنی‌شناسی است و نشان می‌دهد که زبان‌شناسی چگونه به کمک هرمنوتیک می‌آید و به درک متن‌های تفسیری یاری می‌رساند. عنوان فصل پنجم، ساختار مفاهیم متقابل در نشانه‌شناسی تفسیر عرفانی است. در این فصل، یکی از مهم‌ترین ساختارهای افقی تفسیر عرفانی که به نظام نشانه‌های زوجی - چون نفس و قلب یا خوف و رجا - مربوط می‌شود، بررسی شده است. در فصل ششم، که دیالکتیک کفر و ایمان و ساختار سه‌گانه نام دارد، سعی شده است نشان داده شود که چگونه برخورد دائم میان نشانه‌های متضاد در زبان عرفانی، به ایجاد نشانه‌های تازه می‌انجامد. فصل هفتم، رمز‌شناسی حروف یا معنای رمزی حروف در تفسیر عرفانی است، که در دو محور حروف - به طور عام - و حروف مقطعه - به طور خاص - تنظیم شده است. فصل هشتم به بررسی محبت و زبان اهل ملامت در تفسیرهای عرفانی اختصاص دارد. فصل نهم انسان‌شناسی عرفانی - فلسفی تستری نام دارد و در آن، قاموس واژگان کلیدی مربوط به انسان‌شناسی در تفسیر تستری ارائه شده است. فصل دهم با نام «مقام انبیا و اولیا» به بررسی جایگاه نبی و ولی در تفسیر عرفانی اختصاص دارد. در فصل یازدهم نمادهای طبیعی در تفسیر عرفانی بررسی می‌شود و در فصل دوازدهم با عنوان «تأویل عرفانی نکات دستوری و تأملات سبک‌شناسیک»، به ارائه طرحی از دستور زبانی عرفانی پرداخته شده، مواردی که دستور زبان مورد تأویل عرفانی قرار گرفته معرفی شده و به فایده سبکی تصرفات نحوی در زبان عرفانی اشاره شده است.

بخش دوم این کتاب در دو قسمت اصلی تنظیم شده است: کلام سهل بن عبدالله تستری بر اساس تفسیر او به نام تفسیر القرآن العظیم، و کلام عارفان بر اساس حقایق التفسیر سلمی.

بحث نویسنده در این کتاب بیشتر معطوف به زبان عرفانی است. او می‌خواهد اصطلاحات به‌کاررفته در زبان عرفانی یا لسان‌الحقیقه را بررسی کند و برای این کار، متون تفسیری، از جمله حقایق التفسیر سلمی و کشف الاسرار میبیدی، را به عنوان مواد تحقیقاتی خود در نظر گرفته است. نویسنده برای دستیابی به هدف خود، به شرح دربارهٔ نمادها و رمزهای به‌کاررفته در تفاسیر می‌پردازد و ضمن آشنا کردن خوانندگان با فضاها و عوالم صوفیانه و توضیح دربارهٔ فرایند شکل‌گیری زبان عرفانی، به آنان کمک می‌کند تا به رمزگشایی از نمادهای به‌کاررفته در تفاسیر عرفانی بپردازند.

استفاده از شیوه‌های مختلف نقد و پایبند نبودن به یک دستگاه فکری، نشان‌دهندهٔ نوعی فراروشی و یا رویکرد میان‌رشته‌ای در کار مؤلف است. البته نویسنده در مقدمهٔ کتاب از روش‌های نقد عینی و بویژه نقد ساختاری، و پس از آن، نقد هرمنوتیکی، به عنوان مؤثرترین روش‌ها در شیوهٔ کار خود نام برده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که فکر دست‌یابی به معیار و میزان قطعی در این گونه موضوعات شاید درست نباشد؛ زیرا زبان این گونه متون آن‌چنان سیال و لغزنده است که نمی‌توان به راحتی برای آن اصل و قاعده‌ای مشخص کرد. با این همه، این کتاب، کتابی ارزشمند است و در مطالعات نشانه‌شناسی ایران درخور توجه است.

حمیدرضا شعیری در کتاب تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان (۱۳۸۵) تحول نشانه‌شناسی عینی، ساختارگرا و یا نشانه - معناشناسی بسته به نشانه - معناشناسی باز، منعطف و حساس را نشان داده است. او با استناد به نظر سوسور، مبنی بر اینکه دال و مدلول به یکدیگر وابسته‌اند و به دو روی کاغذ همانندند، نشانه و معنا را وابسته به یکدیگر و دو عنصری می‌داند که به طور هدفمند، جریانی را رقم می‌زنند. بر این اساس، نه نشانه به تنهایی می‌تواند کارایی داشته باشد و نه معنا بدون آن. به نظر شعیری، نشانه‌شناسی به تنهایی یعنی مطالعه، شناسایی و طبقه‌بندی نشانه‌ها و در نهایت، اطلاق مدلولی به آنها؛ و معناشناسی به تنهایی یعنی یافتن واحدهای کوچک و بزرگ معنایی و پرداختن به معنای ضمنی؛ اما آنچه مسلم است، این است که نشانه با قرار گرفتن در نظامی فرایندی، به تولید معنا می‌پردازد؛ معنایی که منجمد و ایستا نیست؛ زیرا فرایندی که نشانه‌معناها در آن قرار می‌گیرند، پویا و پایان‌ناپذیر است. نشانه در این تعریف گونه‌ای منعطف، سیال، پویا، تغییرپذیر، متکثر و چندبعدی است و همهٔ اینها معنار تعاملی، فرایندی، تحول‌پذیر، پویا و چندوجهی می‌سازند. از این دیدگاه، به نظر نویسنده، نشانه - معناشناسی نویدی است به همهٔ کسانی که به دنبال شناخت چگونگی کارکرد، تولید و دریافت معنا در نظام‌های گفتمانی‌اند؛ زیرا فرایند معناسازی، خود تحت نظارت و کنترل نظامی گفتمانی قرار دارد.

این کتاب در ۵ فصل تنظیم شده است. «گفتمان»، «بُعد شناختی گفتمان»، «بُعد حسی - ادراکی گفتمان»، «بُعد عاطفی گفتمان» و «بُعد زیبایی‌شناختی گفتمان»، عنوان فصل‌های این کتاب است. شعیری در فصل پایانی کتاب، که به بُعد زیبایی‌شناختی گفتمان اختصاص دارد، با تکیه بر ادبیات معاصر، بویژه اشعار سهراب سپهری، تلاش کرده است تا عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تولید

نشانه‌های ادبی را بازنمایاند. او کوشیده است تا مراحل فرایند زیبایی‌شناختی در حوزهٔ ادبیات را توضیح دهد و نشان دهد که برای ایجاد فاصله و گذار از گونه‌های رایج زمانی به سوی گونه‌های زیبایی‌شناختی، چگونه به تکان‌های نشانه‌ای نیاز است و چگونه به وسیلهٔ همین تکان، نشانه طغیان می‌کند، از بستر همیشگی خود خارج می‌شود و با به هم ریختن معادلات رایج گفتمانی، نظام دریافتی نوین و غیر منتظره‌ای را رقم می‌زند که «نظام شاعرانه» خوانده می‌شود. از نظر او، در نظام زیبایی‌شناختی گفتمان با عملیاتی گفتمانی مواجهیم که با دخالت، حذف، جابه‌جایی، گزینش، برجسته‌سازی، تغییرات ناگهانی و... موجب بروز نمایه یا جلوه‌ای جدید و متفاوت از نشانه‌ها می‌شود که مبدأ شکل‌گیری گونه‌های زیبایی‌شناختی منحصر به فرادست، به نظر شعیری نشانه - معناشناسی نوین بر این نکته تأکید دارد که جریان زیبایی‌شناختی جریانی نیست که تابع برنامهٔ خاصّ روایی یا نظام خطّی تولید گونه‌های معنایی باشد. به عبارت دیگر، عناصر زیبایی‌شناختی عناصری نیستند که از متغیرهای دخیل در تولید نظام‌مند معنا پیروی کنند؛ بلکه فعالیت زیبایی‌شناختی جریانی است که در آن معنا به عنوان عنصری منعطف جلوه می‌نماید. این انعطاف، خود نتیجهٔ رابطه‌ای تعاملی بین انسان و دنیاست؛ همین تعامل است که سبب می‌شود تا نوع حضور انسان نسبت به موضوعی که با آن روبه‌روست، به حضوری حساس تبدیل شود و همین حساسیت حضور است که مبنای تولید گونه‌های زیبایی‌شناختی قرار می‌گیرد.

شعیری در مقدمهٔ اثر خود، این کتاب را برای بسیاری از متخصصان زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و تحلیل گفتمان، به مثابهٔ جهشی می‌داند که هنوز زمان آن حداقل در ایران فرا نرسیده است؛ اما معتقد است که اگر ما امروز زمان را در اختیار نگیریم و از آن، آن گونه که باید، استفاده نکنیم، زمان بسیاری از مسائل را به فراموشی خواهد سپرد. به نظر او، هر گونه تأخیر در ارائهٔ داده‌های زبانی، ما را با نقص و کمبودی جبران‌ناپذیر مواجه می‌سازد که صدمهٔ زیادی را به پیکرهٔ مطالعات نشانه - معناشناختی تولیدات زبانی، اعم از کلامی و غیر کلامی، وارد می‌کند.

مبانی نشانه‌شناسی (۱۳۸۶) دانیل چندلر، ترجمهٔ مهدی پارسا، نشانه‌شناسی امبرتو آکو (۱۳۸۷)، ترجمهٔ پیروز ایزدی، و نشانه‌شناسی چیست نوشتهٔ یورگن دینس یوهان سون و سوند اریک لارسن (۱۳۸۷)، که علی میرعمادی آن را ترجمه کرده است، از دیگر آثاری‌اند که در سال‌های اخیر دربارهٔ نشانه‌شناسی به زبان فارسی ترجمه شده‌اند و در آنها بیشتر به مبانی نظری نشانه‌شناسی پرداخته شده است.

کتاب نشانه‌شناسی: نظریه و عمل مجموعه مقالات فرزانه سجودی (۱۳۸۸) است که ۱۳ مقاله از او را در بر می‌گیرد. سجودی را می‌توان از پرکارترین محققان در حوزهٔ نشانه‌شناسی دانست که علاوه بر نوشتن کتاب و مقاله، پایان‌نامه‌های زیادی را نیز در این حوزه راهنمایی و مشاوره کرده است. «معنا، مرجع و مصداق»، «دلال‌ت از سوسور تا دریدا»، «مسئلهٔ روش در نشانه‌شناسی»، «کدام نشانه؟ کدام نشانه‌شناسی؟»، «ارتباطات بین فرهنگی»، «نشانه‌شناسی زمان و گذر زمان»، «نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل متن هنری»، «درآمدی بر نشانه‌شناسی خوراک»، «درآمدی بر نشانه‌شناسی رادیو»، «راهکارهای بیان غایب»، «نشانه‌شناسی نوشتار: با نگاهی به رسانه»،

«ادبیات و هنر خوش‌نویسی» و «چالش در لایه‌های متن» عناوین مقالاتی است که در این مجموعه چاپ شده است.

۲. مقالات

مقالات مربوط به اولین «هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر»، که در سال ۱۳۸۲ برگزار شد، گام‌های خوبی در جهت ارتباط نشانه‌شناسی و هنر و پرداختن به تحلیل‌های نشانه‌شناختی در متون هنری، از جمله پوستره‌های تبلیغاتی، نقاشی و شعر، بود که در همایش‌های بعدی نیز با تحلیل‌های نشانه‌شناختی تصویری، سینمایی و متن‌های ماهواره‌ای دنبال شد. البته در این مجموعه مقالات تنها یک مقاله به نشانه‌شناسی شعر اختصاص دارد که موضوع آن هم نشانه‌شناسی تطبیقی شعر و نقاشی معراج در آثار نظامی و سلطان محمد است. نویسنده این مقاله از نشانه‌های کنشی، بویایی، هندسی، رنگی، مکانی، زمانی، غایی و کارکردی در شعر نظامی سخن گفته است و پس از آن به بررسی نشانه‌های زمانی، مکانی، حالتی و کنشی در نقاشی معراج سلطان محمد پرداخته است. در پایان نیز به مطالعه تطبیقی نشانه‌ها در شعر نظامی و نقاشی سلطان محمد توجه نشان داده و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو را بیان کرده است. به نظر او، روایتی بودن شعر نظامی نسبت به نقاشی سلطان محمد و حضور گسترده‌تر برخی از عناصر در نقاشی و برخی دیگر در شعر، بیان‌کننده تفاوت‌های این دو اثر است، اما همگرایی این دو، در نشانه‌های مشترک زمانی، مکانی، حالتی و کنشی مشاهده می‌شود (ر.ک: نامور مطلق، ۱۳۸۳: ۱۵۱-۱۷۷).

«بازی نشانه‌ها» مقاله دیگری از این مجموعه است که در آن نحوه شکل‌گیری استعاره در سطح نظام‌های نشانه‌ای فراتر از نظام نشانه‌ای زبان بررسی می‌شود. به این منظور، ابتدا از چگونگی تغییر نگرش نسبت به جایگاه استعاره در مطالعات زبانی گزارشی داده شده و پس از آن با تأکید بر بن‌مایه شناختی استعاره، بر مبنای قواعد ادراکی گشتالت، تکوین آن توصیف می‌شود. افراشی در مرحله بعد با بهره‌گیری از الگوی ارغنون بولر و با تکیه بر نمونه‌هایی

از نظام‌های نشانه‌ای، به تحلیل بازی نشانه‌ها می‌پردازد (ر.ک: افراشی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۹).

کورشر صفوی نیز در مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری نشانه» در این مجموعه، به این مبحث می‌پردازد که شکل‌گیری نشانه بر حسب فرایندهای ترکیب و انتخاب تابع چه شرایطی است. صفوی برخلاف پیرس، به وجود شاخه‌ای به نام «کاربردشناسی» در مطالعه نشانه‌ها معتقد نیست. به نظر او، آن شاخه از مطالعه نشانه‌ها که به گفته پیرس، «معنی‌شناسی» نامیده می‌شود، باید مطالعه مفهوم کاربردی نشانه‌ها را نیز در بر بگیرد. صفوی معتقد است که با معرفی چنین شاخه‌ای از معنی‌شناسی نشانه‌ها، این امکان پدید می‌آید که به مسئله بازی نشانه‌ها یا کاربرد استعاره نشانه‌ها توجه کرد (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۳: ۲۵-۱۳).

امیرعلی نجومیان در مقاله «هزارتوی شهری در هزارتوی متن؛ یک بررسی نشانه‌شناختی» (۱۳۸۴)، که در مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر منتشر شد، تلاش کرده است تا ساختار نشانه‌ای گفتمان پسامدرن را تشریح کند و از آن به عنوان استعاره‌ای برای مباحث نظری در زمینه نقد آثار پساستخرا استفاده نماید و نظام دلالتی این گونه متون را نشان دهد. از نظر او، ادبیات داستانی معاصر به شکل گسترده‌ای تحت تأثیر این ساختار نشانه‌ای بوده است. رُمان‌هایی که در آن، نویسنده خواننده را به خواندن رُمان، نه به شکل خطی، بلکه به شکل تصادفی یا ارائه الگوهای متفاوت برای خواندن فصل‌ها، دعوت می‌کند، از جمله این گونه نتایج و تأثیرات است. به نظر نجومیان، نمونه‌های داستان‌های اینترنتی که به خواننده اجازه انتخاب بین چند مسیر برای خواندن داستان را می‌دهد، هم از این جمله‌اند. خواننده در پایان هر واقعه در داستان می‌تواند بین چند واقعه پیشنهادشده یکی را انتخاب کند و بر اساس انتخاب خود داستان را به پیش برد.

مقاله «تأویل نشانه‌شناختی ساختارگرای شعر زمستان اخوان ثالث» (۱۳۸۴)، نوشته علیرضا انوشیروانی، از مقاله‌هایی است که به نشانه‌شناسی پرداخته است. او نشانه‌های این شعر را به چند دسته تقسیم می‌کند: «نشانه سرما»، که در این نوع نشانه، دال و مدلول با دلالت ضمنی (Connotation) به هم پیوند می‌خورند. به نظر نویسنده، در رمزگان هنری، سرمای زمستان می‌تواند معانی بسیاری را به خواننده القا کند؛ بی‌محتبی و بی‌مهری، بدگمانی، روابط بی‌روح و سرد بین مردم، جدایی، سکوت، دل‌تنگی و ناامیدی و بالاخره مرگ، همگی می‌تواند بیانگر احساسات تلخ انسانی باشد که در فراز و نشیب زندگانی به پایان محتوم غم‌انگیز خود رسیده است. نشانه دیگر از نظر او، «نشانه ترسا» است، که بر اساس توافق میان کاربران این نشانه در رمزگان ادبی، این واژه در مفهوم می‌فروشد و پیمان‌کش به کار رفته است. «نشانه‌های احساسی» در این شعر از نظر نویسنده تکرار واژه «منم» و صفات به کار گرفته‌شده، همچون «لولی‌وش مغموم»، «سنگ تپیاخوردۀ رنجور» و «دشنام پست آفرینش» است که احساس تنهایی، پوچی، بی‌ارزشی و رنج و ناامیدی را به خواننده القا می‌کند. سرانجام، شاعر از «نشانه‌های سرخی، تاریکی و چراغ» در این شعر سخن می‌گوید و به مدلول‌های متفاوت و متعدد آنها اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد مقصود انوشیروانی از نشانه در این مقاله، مفهومی کلی است و بیشتر مفاهیم نمادین و تمثیلی را در بر می‌گیرد.

بحث نشانه‌شناسی در ایران بیشتر در حوزه‌های دانشگاهی و آن هم در رشته زبان‌شناسی رواج داشته و ابعاد وسیع آن در ایران چندان گسترش نیافته است. بیشتر آثاری که در زمینه نشانه‌شناسی در ایران چاپ و منتشر شده‌اند، یا ترجمه‌اند و یا ترجمه - تألیف محسوب می‌شوند و در آنها بیشتر به بیان مباحث نظری و تکراری پرداخته شده است و در کمتر مقاله و کتابی می‌توان به الگوی عملی برای پژوهش نشانه‌شناختی دست یافت

نشانه‌شناسی
در ایران بیشتر
در حوزه‌های
دانشگاهی و آن
هم در رشته
زبان‌شناسی
رواج داشته است

نکته مهمی که نویسنده به آن اشاره می‌کند، این است که در رمزگان‌های هنری، یک دال می‌تواند چندین مدلول داشته باشد؛ بنابراین بررسی نشانه‌شناختی یک شعر نیز می‌تواند لایه‌های معنایی متعددی را آشکار سازد. به عبارت دیگر، نشانه‌شناسی بر تکثر در تفسیر استوار است. شاعر، ابداع‌گر و آفریننده نشانه‌هاست و از طریق نشانه‌ها و روابط حاکم میان آنها، معنا را به خواننده منتقل می‌کند و شعر به لحاظ رمزگان هنری و پیام زیبایی‌شناختی آن، از نظام نشانه‌ای پیچیده‌ای برخوردار است؛ بنابراین بررسی نشانه‌شناختی شعر، ظرافت و دقت بیشتری را می‌طلبد.

نویسنده در این مقاله، نشانه‌های شعر «زمستان» را به چهار دسته منحصر کرده است: نشانه سرما، نشانه ترس، نشانه‌های احساسی و نشانه‌های سرخی، تاریکی و چراغ. او می‌توانست از نشانه‌های مربوط به زمان نیز سخن بگوید و فضای زمان شاعر را که شعر در آن سروده شده باز نماید و موشکافی کند؛ این شعر در سال ۱۳۳۳، بعد از جریان ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تحت تأثیر آن اوضاع و احوال سروده شده است؛ اوج خفقان اجتماعی و سیاسی روزگار او، محیط بسته، نبود آزادی قلم و بیان، نابودی آرمان‌ها و ... نکاتی است که در رمزگشایی نشانه‌های این شعر می‌توانست مورد توجه قرار بگیرد. به نظر انوشیروانی، «این شعر سترگ حس شاعرانه سرمایه زمستان را به خواننده القا می‌کند؛ اما این سرما آن چنان که نویسنده می‌نویسد، فقط نشانه بی‌محبتی و بی‌مهری و احساسات تلخ انسانی نیست؛ بلکه نشانه بازی از شرایط سیاسی و اجتماعی زمان شاعر را هم به همراه دارد.

شیری (۱۳۸۶) در مقاله «رابطه نشانه‌شناسی با پدیدارشناسی با نمونه‌ای تحلیلی از گفتمان ادبی-هنری» درباره تحلیل نشانه‌شناختی یک گفتمان ادبی به این نکته تأکید می‌کند که دیگر نشانه‌شناسی ساختارگرا نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای ما در مطالعه معنا باشد؛ چراکه این نظام بر رابطه دوجانبه و لازم و ملزوم بین عناصر کلاسیک نشانه، یعنی دال و مدلول، تأکید دارد؛ در حالی که گفتمان‌های هنری و ادبی، ما را با نظام‌های شهودی، حساس و سیال معنا مواجه می‌کنند. او به دیدگاه ژاک فونتنی استناد می‌کند که عنصر جسمانه (Crops proper) را به عنوان واسطه، عامل نشانه-معنایی و احساس‌بخش به دنیای نشانه، بین دال و مدلول قرار داده و به این ترتیب، حضور کششگر انسانی در تعاملات نشانه و معنا تضمین می‌شود. البته به نظر شعیری، این حضور جسمانه‌ای و پدیداری در نظریه‌های گرماس در نظامی زیبایی‌شناختی تجلی می‌یابد. شعیری در این مقاله به یکی از اشعار سهراب سپهری اشاره‌ای کوتاه کرده است.

محمدرضا اکرمی نیز در مقاله «میر عاشقان؛ بررسی نشانه‌شناختی و روابط عمودی غزلی از حافظ» (۱۳۸۸)، از عنوان بررسی نشانه‌شناسی استفاده کرده است. به نظر او، حافظ شخصیت مورد خطابش را با نام‌واره‌های متفاوتی می‌خواند تا زوایای وجودی او را با زبانی پنهان و پرنشانه معرفی نماید و این امر، ضمن آنکه شعر را تأویل‌بردار می‌کند، باعث توهم تعدد مخاطب نیز می‌شود. به نظر اکرمی، در سراسر غزل مورد نظر، روی سخن با یک مخاطب است و حافظ وی را با نام‌واره‌های مختلفی، چون صوفی، میر عاشقان، رب و شاه می‌خواند. نویسنده مقاله مشخص نکرده است که استفاده از نام‌ها و واژگان گوناگون و کشف اینکه مخاطب آنها تنها یک شخص است، چه ربطی به

تحلیل نشانه‌شناختی دارد! در واقع کوشش نویسنده در این مقاله بیشتر به بررسی و شناخت روابط عمودی این غزل منتهی شده است.

۳. پایان‌نامه‌ها

در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ پایان‌نامه‌هایی نیز به نشانه‌شناسی ادبی اختصاص یافته‌اند و اشعار و متون داستانی فارسی را نشانه‌شناسی کرده‌اند، که به دلیل جلوگیری از اطاب در این بخش، به ذکر مشخصات و مرور تعدادی از آنها اکتفا می‌کنیم:

۱. «نشانه‌شناسی القایی در اثر ادبی؛ بررسی ساختار متن - درام مرگ یزدگرد اثر بهرام بیضایی»؛ خدیجه حمیدپور؛ به راهنمایی دکتر علی محمد حق شناس؛ کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲. «بلاغ و القای معانی در زبان و ادبیات؛ رهیافتی نشانه‌شناختی»؛ لطیف عطاری؛ به راهنمایی دکتر علی محمد حق شناس؛ دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۳. «تحلیل نشانه‌شناختی شعر اخوان ثالث»؛ فرزاد ابراهیمی زاده ابریشمی؛ به راهنمایی دکتر سیروس شمیسا؛ کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۳.
۴. «نشانه‌شناسی بوف کور صادق هدایت»؛ سیمین دخت گودرزی، به راهنمایی دکتر فرزاد سجودی، کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۴.
۵. «نشانه‌شناسی در ادبیات معاصر ایران»؛ داستان کوتاه بین دهه ۲۰-۳۰، سالومه بحرینی فر؛ به راهنمایی دکتر امیرآشرف آریان‌پور؛ کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۴.
۶. «نشانه‌شناسی و کاربرد آن در تحلیل درام»؛ سعید جلالی مقدم، به راهنمایی دکتر محمد ابراهیمیان، کارشناسی ارشد رشته نمایش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۴.
۷. نشانه‌شناسی در اشعار فروغ فرخزاد، مریم عیوقی، به راهنمایی دکتر علی محمد پشت‌دار، کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور تهران، ۱۳۸۵. شایان ذکر است که در بیشتر این پایان‌نامه‌ها منظور از نشانه‌شناسی، نمادشناسی است و در واقع نویسندگان این آثار به بررسی نمادهای به کار رفته در متون ادبی و رمزگشایی از آنها پرداخته‌اند، مثلاً گودرزی در نشانه‌شناسی بوف کور و عیوقی در نشانه‌شناسی اشعار فروغ فرخزاد به رمزگشایی نمادهای به کار رفته در این آثار اقدام کرده‌اند. جلالی مقدم نیز در پایان‌نامه خود تلاش کرده است از مفاهیم و اصطلاحات نشانه‌شناسی در تحلیل درام استفاده کند. بحرینی فر هدف پژوهش خود را بررسی و تحلیل واژه‌های به کار رفته در داستان‌های کوتاه دهه ۲۰ تا ۳۰ از نظر نشانه‌شناسی و پیش‌زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی می‌داند. به نظر او کلمات به واسطه عواملی خاص معنا می‌یابند و باعث شکل‌گیری هسته اصلی داستان می‌شوند، همچنین دیدگاه فرهنگی و دغدغه‌های اجتماعی عوامل مشترکی برای انتخاب واژه‌ها به شمار می‌رود. او معتقد است که از طریق نشانه‌شناسی می‌توان واژه‌ها را تحلیل و ارزش‌یابی کرد.
- در پایان‌نامه حمیدپور پس از مروری بر مبانی و پیشینه تاریخی نشانه‌شناسی و شرح آراء سه اندیشمند نشانه‌شناسی، سوسور، پیرس و یلمزلف به بحث

نشانه‌شناسی القایی بارت توجه شده است. همچنین به بازتاب نشانه‌شناسی القایی در تحلیل یک متن ادبی فارسی (درام مرگ یزدگرد اثر بهرام بیضایی)، بر پایه روش بررسی بارت در داستان سلازین بالزاک و الگوی ساختارشکناؤه او، به کمک رمزگان‌های پنجگانه پرداخته شده است.

در رساله عطاری نیز بیشتر به مباحث نظری نشانه‌شناسی توجه شده است و پس از آن نویسنده به طرح محثی با عنوان نشانه‌شناسی القایی پرداخته است. به نظر عطاری (۱۳۸۲) نشانه‌های آوایی، دلخواهی (نانگیخته) و قراردادی زبان که امر ابلاغ پیام را بر عهده دارند، در زبان ادبیات، به نشانه‌های معنایی، عمدتاً انگیکخته و غیر قراردادی تبدیل می‌شوند که به کار القای معناها می‌آیند. او به موارد زیادی به عنوان سازگار القا اشاره می‌کند که از میان آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: القای ناشی از ابهام، القای ناشی از غیاب، القای حاصل از دستکاری‌های نحوی، القای ناشی از بینامتنیت، القای صور خیال، القای عاطفه و ...

نکته دیگری که درباره این پایان‌نامه‌ها جلب نظر می‌کند، تنوع رشته‌های دانش‌جویان است؛ هرچند بیشتر پایان‌نامه‌ها مربوط به رشته زبان‌شناسی است، اما دانشجویان رشته‌های ادبیات فارسی، نمایش و پژوهش هنر نیز به پژوهش‌های نشانه‌شناختی علاقه نشان داده‌اند. بیشتر این پایان‌نامه‌ها نیز در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی نوشته شده‌اند و از آنها دفاع شده است. مروری گذرا بر این پایان‌نامه‌ها نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها الگو و چارچوبی خاص حکم‌فرما نیست و بیشتر آنها به صورت سلیقه‌ای انجام شده‌اند.

۴. نتیجه

نقد و بررسی آثاری که در زمینه نشانه‌شناسی در ایران نوشته و منتشر شده‌اند، گویای این واقعیت است که بحث نشانه‌شناسی در ایران بیشتر در حوزه‌های دانشگاهی و آن هم در رشته زبان‌شناسی رواج داشته و ابعاد وسیع آن در ایران چندان گسترش نیافته است. بیشتر آثاری که در زمینه نشانه‌شناسی در ایران چاپ و منتشر شده‌اند، یا ترجمه‌اند و یا ترجمه - تألیف محسوب می‌شوند و در آنها بیشتر به بیان مباحث نظری و تکراری پرداخته شده است و در کمتر مقاله و کتابی می‌توان به الگوی عملی برای پژوهش نشانه‌شناختی دست یافت. می‌توان گفت ترکیبی از نظریات و رویکردهای نشانه‌شناسان، در آثار ترجمه‌شده و یا تألیفی راه یافته است. به این سبب، رویکردها و مبانی پژوهش‌های نشانه‌شناسان ما چندان مشخص نیست. در واقع بیشتر محققان ایرانی در این رویکرد بر اساس نظام مشخصی عمل نمی‌کنند. البته به این نکته نیز باید تأکید کرد که نمی‌توان برای بررسی همه متون الگوی واحدی از نظام نشانه‌شناختی ارائه کرد؛ بلکه باید هر متن را با توجه به قالب، محتوا و ... نشانه‌شناسی کرد. در زمینه نشانه‌شناسی متون ادبی فارسی، اعم از شعر و نثر، نیز هر چند پژوهش‌های درخور توجهی که همه ابعاد تحلیل نشانه‌شناختی را در بر بگیرد، انگشت‌شمار و نادرند؛ اما می‌توان گفت گام‌های خوبی در این مسیر برداشته شده است. امید است که در آینده شاهد گسترش پژوهش‌های نشانه‌شناختی در متون ادبی فارسی باشیم.

کتابنامه

- احمدی، بابک، ۱۳۷۰، ساختار و تأویل متن، جلد ۱ و ۲، تهران: نشر مرکز.

- _____، ۱۳۸۳، از نشانه‌های تصویری تا متن. تهران: نشر مرکز.
- اخوت، احمد، ۱۳۷۱، نشانه‌شناسی مطالبه اصفهان: نشر فردا.
- افراشی، آریتا، ۱۳۸۳، «بازی نشانه‌ها». مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر. به کوشش فرزنان سجودی. تهران: فرهنگستان هنر، صص ۲۷-۳۹.
- اکرمی، محمدرضا، ۱۳۸۸، «میر عاشقان؛ بررسی نشانه‌شناختی و روابط عمودی غزلی از حافظ». بوستان ادب دوره اول، شماره ۱، پیاپی ۵۵/۱، شیراز: دانشگاه شیراز، صص ۱-۱۳.
- اکو، امیرتو، ۱۳۸۷، نشانه‌شناسی. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: نشر ثالث.
- انوشیروانی، علیرضا، ۱۳۸۴، «تأویل نشانه‌شناختی ساختارگرای شعر زمستان اخوان ثالث». پژوهش‌های زبانی خاچی، شماره ۲۳، صص ۵-۲۰.
- چندلر، دانیل، ۱۳۸۶، مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. زیر نظر فرزنان سجودی. تهران: سوره مهر.

- دینه‌سن، آنهماری، ۱۳۸۰، درآمدی بر نشانه‌شناسی. ترجمه مظفر قهرمان. آبادان: نشر پرسش.

- راشد محصل، محمدرضا، ۱۳۸۰، نشانه‌شناسی کاربرد قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: روزگار.

- سجودی، فرزنان، ۱۳۸۲، نشانه‌شناسی کاربرد. تهران: نشر قصه.
- _____، ۱۳۸۸، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل (مجموعه مقالات). تهران: علم.
- سعیری، حمیدرضا، ۱۳۸۵، تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتار. تهران: سمت.
- _____، ۱۳۸۶، «رابطه نشانه‌شناسی با پدیدارشناسی با نمونه‌ای تحلیلی از گفتار ادبی-هنری». ادب‌پژوهی (فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی)، سال اول، شماره ۳، رشت: دانشگاه گیلان، صص ۶۱-۸۱.

- صفوی، کورش، ۱۳۸۲، «شکل‌گیری نشانه». مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر. به کوشش فرزنان سجودی. تهران: فرهنگستان هنر، صص ۱۳-۲۵.
- ضیمران، محمد، ۱۳۸۲، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه.
- عطاری، لطیف، ۱۳۸۲، «ابلاغ و القای معانی در زبان و ادبیات؛ رهیافتی نشانه‌شناختی». پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی. به راهنمایی دکتر علی محمد حق‌شناس، دانشگاه تربیت مدرس.
- کابلی، پل و لیتزا یانتس، ۱۳۸۰، نشانه‌شناسی: قدم اول. ترجمه محمد نبوی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

- کالر، جاناتان، ۱۳۷۹، فر دینان دوسوسور. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
- گبرو، پی‌یر، ۱۳۸۰، نشانه‌شناسی. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.
- مشرف، مریم، ۱۳۸۴، نشانه‌شناسی تفسیر عرفانی. تهران: نشر ثالث.
- نامور مطلق، بهمن، ۱۳۸۳، «نشانه‌شناسی تطبیقی شعر و نقاشی معراج (در آثار نظامی گنجوی و سلطان محمد)». مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر. به کوشش فرزنان سجودی. تهران: فرهنگستان هنر، صص ۱۵۱-۱۷۷.

- نجومیان، امیرعلی، ۱۳۸۴، «هزارتوی شهر در هزارتوی متن؛ یک بررسی نشانه‌شناختی». مقالات دومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر. به اهتمام حمیدرضا سعیری. تهران: فرهنگستان هنر، صص ۲۱۳-۲۳۰.
- یوهان سون، یورگن دینس - سوند اریک لارسن، ۱۳۸۷، نشانه‌شناسی چیست؟ ترجمه علی میرعمادی. تهران: ورجاوند.

- Eco, Umberto, 1979, *A Theory of Semiotics*. Bloomington in Indiana University Press, London: Macmillan.

